

ماجرای عشق و عاشقی میدون

باتری به باتری با احمدی نژاد



پوریا عالمی

• من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوفیا. اما جسارت ندارم و همه بدبختی من هم همین است که جسارت ندارم. چون جسارت ندارم، نه توانسته‌ام شغل پیدا کنم، نه توانسته‌ام دکتر بشوم. نه توانسته‌ام از شهرمان پایبم پایتخت. نه توانسته‌ام معروف شوم. نه توانسته‌ام بابای سوفیا را خام کنم که سوفیا را بدهد به من. نه توانسته‌ام حالا که همسر سوفیا نشدم فامیل سوفیا بشوم مثلاً و یکی از توی فامیل ما، یکی توی فامیل آنها را بگیرد. نه توانسته‌ام مدیرعامل شرکت باباش بشوم. نه توانسته‌ام باباش را بکنم مدیرعامل یک شرکت صوری. نه توانسته‌ام پول‌وپله به‌هم بزنم. نه توانسته‌ام دکل بخورم، نه زمین، نه آپارتمان. نه پول مردم، هیچی. می‌دانید چرا؟ فقط به یک دلیل. به این دلیل که جسارت ندارم. عرض می‌کنم چرا.

علی مطهری، نماینده مجلس، گفته: «به نظر من علاوه‌براینکه احمدی‌نژاد باید در زمینه تخلفات مالی بازخواست شود، باید درباره حوادث سال ۸۸ محاکمه می‌شد که نشد و ظاهراً یک نوع ارفاق درباره او وجود دارد. دلیل این ارفاق ممکن است به‌خاطر جسارت او باشد و به‌خاطر همین ملاحظات هم این موضوع بررسی نشده است؛ اگرچه به نظر من این ملاحظات پذیرفته و منطقی نیست».

می‌بینی سوفیا. ما دوبله پارک می‌کنیم؛ چون جسارت نداریم، هم جریمه‌مان می‌کنند، هم ماشینمان را می‌خواهند. یک قلاب بدون مجوز می‌زنیم به دیوار، هم جریمه می‌شویم، هم خانه را می‌خواهند. اسب‌سواری کنیم، هم اسب‌مان جریمه می‌شود، هم اسبمان را می‌خواهند. فقط هم به همین دلیل که جسارت نداریم.

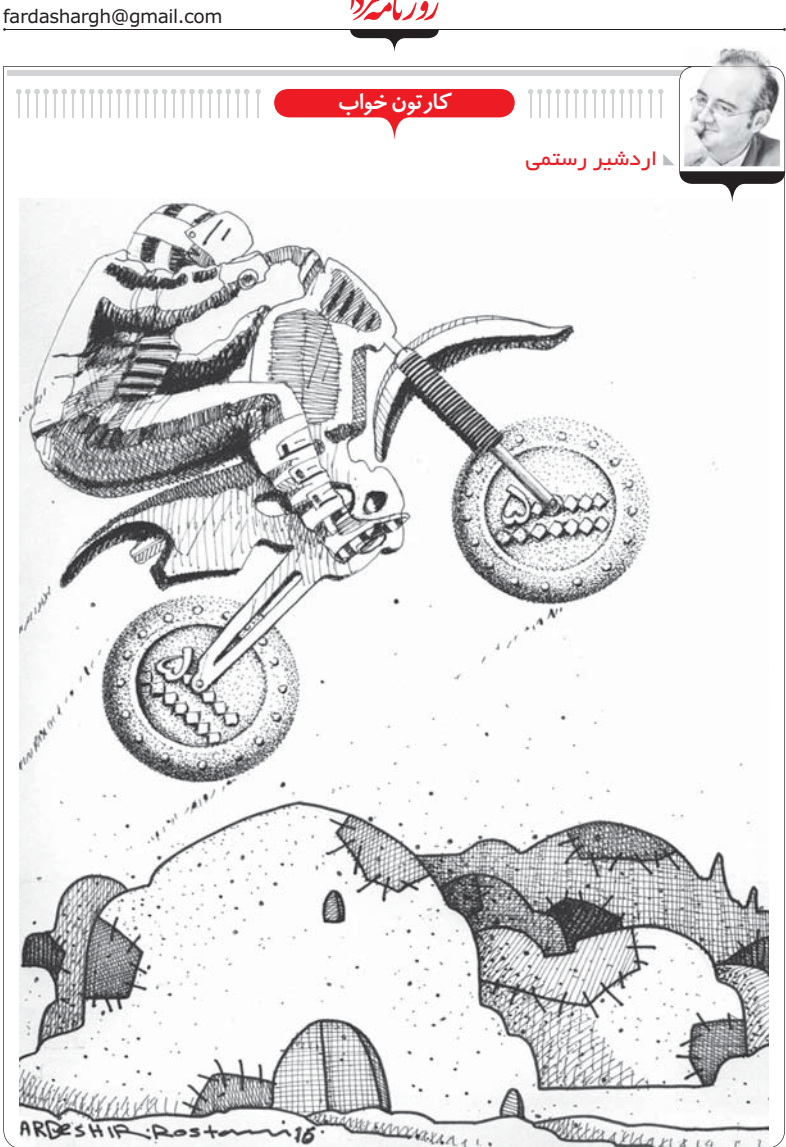
اگر یک نوک سوزن از جسارت آقای احمدی‌نژاد را داشتیم، نه تا حالا جریمه می‌شدیم، نه چیزی‌مان - مثل بخت و اقبال - خوابیده بود. سوفیا من کشف کردم چون جسارت ندارم، نه می‌توانم با تو ازدواج کنم، نه کاندیدای ریاست‌جمهوری شوم. بهتر است بروم پیش آقای احمدی‌نژاد و جسارت باتری به باتری کنم تا مشکلم حل شود و دیگر نخواهم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۵ • ۲۸ رمضان ۱۴۳۷ • ۴ جولای ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۲۳ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۴

روزنامه‌فردا



کارتون خواب

اردشیر رستمی

سلام به فردا

بحران آب؛ درگیری‌های منطقه

از آن مانند جابه‌جایی‌های جمعیتی و ایجاد زمینه برای منازعات قومی و قبیله‌ای را نادیده گرفت. ایران نیز، در مرزهای شرقی و هم غربی با مسئله آب به‌عنوان یکی از عوامل بحران‌ساز جدی مواجه است. نحوه بهره‌برداری نامناسب دولت افغانستان از رود هیرمند و ایران، از مشکلات اساسی کشور است. در مرزهای غربی نیز معضل ریزگردها که سلامت مردم را تهدید کرده، از تبعات زیست‌محیطی همین بحران کم‌آبی است. بنابراین نقش آب در امنیت و روابط میان کشورها، امروز به یک واقعیت غیرقابل‌انکار در عرصه بین‌المللی تبدیل شده و دغدغه بسیاری از صاحبان اندیشه را چه در حوزه عمل و چه در حوزه نظر به خود اختصاص داده است. از همین رو از آنجا که نقش دولت‌ها در مدیریت منابع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، امروز لازم است دولت‌ها چه در برنامه‌ریزی داخلی و چه در همکاری‌های بین‌المللی در جهت کنترل و کاهش بحران کم‌آبی عمل کنند. برنامه‌ریزی‌های بین‌المللی نیز از سویی و همکاری‌های منطقه‌ای از سوی دیگر خواهد توانست از تصاعد این بحران و گسترش آن به حوزه‌های دیگر جلوگیری کند.

این بحران‌ها را مدنظر قرار دهم، در ابتدا باید اشاره کرد آب از گذشته تاکنون یکی از سرفصل‌های اصلی در توسعه کشورها بوده و بحران‌های ناشی از کم‌آبی بیش از هر چیز بر روند توسعه‌یافتگی کشورها اثر گذاشته است. در کنار این، همواره تأکید شده است که جریان رودخانه‌ها بین کشورها یکی از عوامل تنش‌زا در روابط بین‌ملت‌ها و دولت‌ها بوده است. معمولاً بهره‌مندی بیش از اندازه یک کشور از آب رودخانه‌ای که در بین چندین کشور در جریان است، به اعتراضات گسترده سیاسی کشورهای دیگر منجر شده است. در این زمینه می‌توان به اقدامات دولت ترکیه در زمینه ایجاد سد در مسیر رودخانه‌هایی که از این کشور می‌گذرد اشاره کرد که منجر به تشدید بحران کم‌آبی در سوریه و عراق و معضلات بعدی زیست‌محیطی برای این دو کشور شده است. روشن است اگر این دو کشور در سال‌های گذشته درگیر منازعات داخلی و مبارزه با تروریسم نبودند، امروز شاهد درگیری‌شان با ترکیه بر سر مسئله آب بودیم. علاوه بر این نگاه به تجربه سوریه در درس‌های بسیار آموزنده‌ای دربر دارد. در بحران سوریه علاوه بر عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نباید نقش خشک‌سالی و پیامدهای ناشی



الیه کولایی

استفاده نادرست و نامناسب نوع بشر از منابع کره خاکی در دهه‌های اخیر، مسئله نابودی محیط زیست و از میان رفتن فضا‌های مناسب برای زیست طبیعی بشری را به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های جامعه جهانی تبدیل کرده است. امروز تمام کشورها به‌نوعی با اشکال مختلف معضلات زیست‌محیطی از جمله بحران‌های کم‌آبی و بی‌آبی مواجه هستند. این بحران‌ها در برخی کشورها مخصوصاً در منطقه خاورمیانه چشم‌اندازی نگران‌کننده را برای کشورها به وجود آورده و به یکی از دغدغه‌های اصلی صاحب‌نظران سیاسی و اقتصادی بدل شده است. با وجود این، نباید تبعات بحران‌هایی نظیر کم‌آبی را تنها منحصر به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی دانست چراکه این بحران‌ها پیامدهای گوناگون فرهنگی و اجتماعی نیز دارند. اگرچه در اینجا قصد دارم بیشتر از ابعاد دیگر، تبعات سیاسی و بین‌المللی

حکایت این روزها

از دزدها و شیاطین دیگر

بازگیریک اجرای بی‌مجوز دیگر از همین متن هم بود و از دلخوری من بابت کار آن گروه خبر داشت. اهمیتی دارد؟ این همه آدم هرروز ناراحت می‌شوند، من هم روشن‌شان، مهم این است که هرکسی کاری را که دلش می‌خواهد بکند. «مراسم قطع دست در اسپوکن» درباره آدمی است که سال‌ها پیش چیزی از دست داده و حالا هنوز در پی انتقام از کسانی است که آن چیز را بدون رضایت او از گرفته‌اند. عصبانی است چون به او احترام نگذاشته‌اند. همه متن‌های دنیا به کنار، جمعی که حتی فقط همین یک متن را از رو خوانده باشند، نباید فکر کنند دست‌کم مشابه همین کار را با مترجم نمایش‌نامه پیش‌رویشان نکنند. پس تئاتر قرار است چی یاد آدم‌ها بدهد؟ آیا خجالت‌کشیدن برای آدم‌ها لازم است؟ هرازگاه بله، دیگر تحمل نمی‌کنم. می‌خواهم همین امروز بروم از گروه اجرایی و پردیس چهارسو شکایت کنم.

نبوده که اجرا کرده‌اند، اما در عکس‌های منتشرشده کاملاً مشخص است که بازگیرها دارند متن را از روی کتاب من می‌خوانند. از ناشر کتاب پرس‌وجو کردم و فهمیدم به آنها هم کسی خبری نداده است. در دنیا چیزهای زیادی هستند که حد دارند. به کل جامعه تعمیم نمی‌دهم اما در عرصه تئاتر ایران گویا دیگر حق مسلم آدم‌ها شده که با داشته‌های دیگران هر کاری دلشان می‌خواهد بکنند. سال‌های قبل به‌کنار، امسال این سومین‌بار است که گروهی دارند بدون اجازه یکی از ترجمه‌هایم را اجرا می‌کنند و اگر آن دوتای قبلی، جمعی تازه‌وارد و آماتور و جاه‌طلب بودند که خرجی به‌آنها نبود، این‌یکی گروهی حرفه‌ای است که هرکدام از اعضایش فهرستی بلندبالا از اجرا و افتخار در کارنامه دارند و بابت این کارنامه از همدیگر تقدیر هم می‌کنند. صرف سال‌ها روی صحنه رفتن ارجی دارد؟ یکی از نقش‌آفرینان همین نمایش‌نامه‌خوانی، فرزین صابونی،

بهرنگ رجبی: آیا خجالت‌کشیدن برای آدم‌ها لازم است؟ روز شنبه، بیست‌ونهم تیرماه، در پردیس چهارسوی تهران جلسه نمایش‌نامه‌خوانی‌ای برپا بوده از متن مارتین مک‌دوننا به نام «مراسم قطع دست در اسپوکن». من سفر بودم و همین چندروز اخیر از اجرا باخبر شدم. این متن را من ترجمه کرده‌ام، نشر بیدگل در سال ۱۳۹۳ منتشرش کرد و الان چاپ چهارمیش در بازار است. کارگردان اجرا آقای عباس غفاری بوده و بازیگرانش بهناز جعفری، فرزین صابونی، وحید آقاپور و هومن کیایی. در انتهای مراسم هم از خانم جعفری بابت سابقه‌شان در کار تئاتر تقدیر کرده‌اند. اما هیچ‌کس لازم ندیده از مترجم کتاب و صاحب اثر، برای اجرای متنش اجازه بگیرد و حتی خیلی بدیهی‌تر از این، دست‌کم اسم او را روی پوستر و بروشور اجرا یا در خبرها یا در صفحه این نمایش در وب‌سایت‌های تئاتری ذکر کند. اولش فکر کردم لابد ترجمه من

سامسونگ

SAMSUNG

عید سعید میبارک



فقط با ضمانت
سرویس ۰۲۱-۸۲۵۵

محل سامی ۱۱۴

HotBlast

سفره عیدتان رنگین با فن آوری